

# اصلاحات غیر اصلاح طلبانه

آمنه اکبر\*



ترجمه‌ی مهدی سمائی



چپ، در گفتار، اغلب خود را مخالف «اصلاح» و بیرون از «سیاست رسمی» تعریف می‌کند. این توصیف از چپ را لیبرال‌ها و دانشوران نیز تکرار می‌کنند. اما امروزه جنبش‌های اجتماعی چپ‌گرا به مطالبه‌ها، اصلاحات و برنامه‌های سیاست‌گذارانه رو آورده‌اند.<sup>۱</sup> این نه رَد سیاست‌های انتخابات‌محور و تقنینی بلکه قسمی پذیرا شدن محتاطانه است که تغییری در چپ در حال ظهور را نشان می‌دهد. مطالبه‌ها از طریق راهبردی مدام سازمان یافته‌تر جهت انتخاب نامزدهای چپ و سوسیالیست برای مناصب تقویت می‌شود تا وابستگی حزب دموکرات به پول شرکت‌ها و طبقه‌ی میلیاردرها را به چالش بکشد و قلمرو امر ممکن را بازتعریف کند.<sup>۲</sup> الکسندریا اوکاسیو کورتز،<sup>۳</sup> ایلهان عمر<sup>۴</sup> و نمایندگان چپ‌گرای حزب دموکرات (اسکوآد)<sup>۵</sup> که رو به رشد است - توسط مجموعه‌ای از تشکل‌ها پشتیبانی می‌شوند که بر راهبرد انتخابات‌محور تمرکز کرده‌اند - و این مقامات انتخاب‌شده به عوامل مهم تقویت‌کننده‌ی مطالبات رادیکال تبدیل شده‌اند.<sup>۶</sup> بی‌تردید چرخش به سمت اصلاح، نشان‌دهنده‌ی شکست سیاست انقلابی چپ نو و عصر «قدرت سیاهان»<sup>۷</sup> - که خود این شاخص سرخوردگی از دستاوردهای جنبش حقوق مدنی است -<sup>۸</sup> و همچنین بازشناسی عظمت قدرت نظامی و پلیسی ایالات متحده است که برای سرکوب جنبش‌ها در سراسر جهان سر برآورد.<sup>۹</sup> اما چرخش به سمت اصلاح، همچنین نشان‌دهنده‌ی ارزیابی هوشمندانه از محدودیت قدرت چپ، طبقه‌ی کارگر و افراد تهی‌دست است که دهه‌ها در معرض سرکوب دولتی و ظهور برنامه‌ی نولیبرالی قرار گرفتند که کلرمن آن را مستندسازی کرده است.<sup>۱۰</sup> این تلاشی برای دستیابی به قدرت است که می‌فهمد سلب حق از توده، سهم محوری در تسلط طبقه‌ی ایلیت<sup>۱۱</sup> بر دولت و اقتصاد دارد. شمار فزاینده‌ای از سازمان‌دهندگان اکنون لزوم سازمان دادن به تهی‌دستان، طبقه‌ی کارگر، رنگین‌پوستان و مهاجران برای رقم زدن تغییر تحول‌بخش را دریافته‌اند.<sup>۱۲</sup>

اصلاح، در قالب اصطلاحات متنوعی دال بر برنامه‌ی اصلاحی به قصد پروژه‌ی بزرگ‌تر تحول،<sup>۱۳</sup> مدت‌هاست که مسئله‌ای محوری در بحث‌ها درباره‌ی راهبرد چپ و سوسیالیستی بوده است.<sup>۱۴</sup> سازمان‌دهندگان به‌طور روزافزون به «اصلاحات غیراصلاح‌طلبانه»<sup>۱۵</sup> متوسل می‌شوند، اصطلاحی که آندره گُرز<sup>۱۶</sup> - فیلسوف و اقتصاددان

سوسیالیست فرانسوی- در دهه‌ی ۱۹۶۰ وضع کرد.<sup>۱۷</sup> گُرز در راهبردی برای کارگران،<sup>۱۸</sup> «اصلاح غیراصلاح طلبانه» را به‌مثابه قسمی اصلاح به کار برد که با «نیازها، معیارها و بنیادهای سرمایه‌داری» سازش ندارد.<sup>۱۹</sup> در عوض، «اصلاح غیراصلاح طلبانه» منطق «آنچه باید باشد» را پیش می‌کشد و مستلزم «اجرای تغییرات بنیادین سیاسی و اقتصادی» است.<sup>۲۰</sup> تغییر چه «ناگهانی» یا «تدریجی» باشد، اصلاح غیراصلاح طلبانه مستلزم «تغییر روابط قدرت» و به‌ویژه «خلق مراکز جدید قدرت دموکراتیک» است.<sup>۲۱</sup> چارچوب اصلاحات غیراصلاح طلبانه در رویه‌ی الغاگرایی<sup>۲۲</sup> که علیه «مجتمع صنعتی زندان‌محور»<sup>۲۳</sup> سازمان‌دهی می‌کنند متداول است<sup>۲۴</sup> و توسط کسانی به کار گرفته شده که به طور وسیع‌تر در زمینه عدالت نژادی،<sup>۲۵</sup> سوسیالیسم و ضدیت با سرمایه‌داری فعال‌اند.<sup>۲۶</sup> استاد روث ویلسون گیل مور<sup>۲۷</sup> در گولاگِ طلایی<sup>۲۸</sup> به «اصلاحات غیراصلاح طلبانه» دعوت می‌کند، و این تعریف را از آن به دست می‌دهد: «تغییراتی که در نهایت شبکه‌ی کنترل اجتماعی از طریق جرم‌انگاری را از هم می‌گسلاند نه این که آن را بگستراند».<sup>۲۹</sup> کارزارهای الغاگرایی<sup>۳۰</sup> از طریق دهه‌ها کارزار علیه زیرساخت‌های مربوط به زندان، سرفصلی را گشوده‌اند که شاخصه‌اش رویکردی به اصلاح است که بر کاهش اندازه، قدرت، ابزارها و مشروعیت دولت زندان‌بان<sup>۳۱</sup> تمرکز می‌کند.<sup>۳۲</sup> تمرکز بر چفت‌وبست ایدئولوژیک کنترل زندان‌محور- مثلاً یکی گرفتن امنیت با پلیسی‌گری<sup>۳۳</sup>- نشان‌دهنده‌ی فهم نافذ از زیرساخت توأمان ایدئولوژیک و مادی زندگی‌های ماست.<sup>۳۴</sup> او نیز به نوبه‌ی خود همچون گُرز پیشنهاد می‌کند که برنامه‌ی انقلابی اصلاح باید به طور مداوم آگاهی از خشونت و آگاهی از استثمارگری وضع موجود را عمق بخشد تا امکان‌های بدیل را پیش برد.

اگرچه از گُرز به عنوان قهرمان اصلاح غیراصلاح طلبانه یاد می‌شود، کار او قطعاً مبهم است: همیشه «مرز خیلی دقیقی میان "اصلاحات غیراصلاح طلبانه" و "اصلاح طلبانه"<sup>۳۵</sup> وجود ندارد.<sup>۳۶</sup> برای مثال، سنجش مطالبه‌ی «ساخت ۵۰ هزار واحد مسکونی جدید در یک سال» مستلزم سنجش این است که آیا پیشنهاد مذکور «سلب مالکیت از کسانی که مالک زمین‌های مورد نیاز هستند» را شامل می‌شود یا نه، «و این که آیا ساخت‌وساز یک خدمت عمومی اجتماعی خواهد بود یا نه، و از این رو مرکز مهم انباشت سرمایه‌ی خصوصی را تخریب می‌کند یا نه؛ یا برعکس به این معناست که

از پول مالیات‌دهندگان به سرمایه‌گذار خصوصی یارانه داده شود تا سودش تضمین شود.<sup>۳۷</sup> مقصود از اصلاح غیراصلاح طلبانه نه ایجاد راه‌حل‌های سیاست‌گذارانه برای مسائل مجزا بلکه عنان برداشتن از قدرت مردمی علیه تنظیمات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی غالب و به سوی امکان‌های نو است.

اما این‌که چیزی غیراصلاح طلبانه یا اصلاح طلبانه باشد به امری فراتر از ماهیت مطالبه و خصوصیاتش ربط دارد: به این امر ربط دارد که کارزار چگونه به پا خیزد. مثال دیگری را در نظر بگیرید: الغای مجازات اعدام.<sup>۳۸</sup> رویکرد متعارف لیبرال تأکید می‌کند که قدرت کشتن قدرتی زیاده بزرگ برای دولت است و به عموم اطمینان می‌دهد که کیفر حبس ابد همچنان امنیت اجتماعات محلی را تضمین می‌کند. در این قالب، کارزار قصد دارد به طریقی خاص قدرت زندان‌محور دولت را سست کند اما در قفس انداختن انبوه مردم را به پرسش نمی‌گیرد. کارزار می‌کوشد مجازات مرگ را تضعیف کند اما همزمان منطبق آن، مشروعیت، بر حق بودن و ضرورت کیفر حبس ابد را تقویت می‌کند.<sup>۳۹</sup> رویکرد غیراصلاح طلبانه مسئله‌ی مجازات مرگ را به مثابه مسئله‌ای ناشی از خشونت گسترده‌تر زندان‌ها و پلیسی‌گری و پیوستگی‌های تاریخی با لینیچ کردن<sup>۴۰</sup> و برده‌داری صورت‌بندی می‌کند. از این رو «حبس ابد بدون امکان آزادی مشروط»<sup>۴۱</sup>، راه‌حل نیست، خشونت زندان‌محور نامشروع است: آنچه سازمان‌دهندگان الغاگر در پنسیلوانیا آن را کیفر «مرگ در زندان»<sup>۴۲</sup> نامیده‌اند.<sup>۴۳</sup>

اگر یک مطالبه را بتوان هم به شیوه‌ای اصلاح طلبانه و هم غیراصلاح طلبانه صورت‌بندی و اجرا کرد، بی‌تردید مرز میان این دو مبهم می‌شود. اما این امر، تلاش برای تفکیک کردن را بیهوده نمی‌کند. در عوض روشن می‌سازد که اگر دگرگونی هدف باشد، پروژه‌های اصلاحی به حرکت‌هایی در یک بازی (game) می‌مانند که پیامدهای متناقض دارند: همواره در آنها امکان مستقرتر کردن وضع موجود وجود دارد. به‌رغم این، برای پروراندن برنامه‌های اصلاحی دگرگون‌کننده به قصد تضعیف نظم غالب در جهت ایجاد نظم نو، تمایزهایی اساسی وجود دارد.

«اصلاحات غیراصلاح طلبانه» سه مشخصه دارند. یکم، اصلاحات غیراصلاح طلبانه نقد رادیکال و تخیل رادیکال<sup>۴۴</sup> را ارتقا می‌دهند.<sup>۴۵</sup> نه اصلاح بلکه دگرگونی هدف‌نهایی

است.<sup>۴۶</sup> اصلاحات غیراصلاح‌طلبانه «نه بر حسب آنچه در چارچوب یک سیستم و اداره‌ی معین ممکن است بلکه از منظر آنچه بر اساس نیازها و مطالبات بشری باید ممکن باشد فهم می‌شوند».<sup>۴۷</sup> در پیشبرد یک برنامه‌ی کار برای برآورده کردن نیاز بشر، اصلاحات غیراصلاح‌طلبانه این نقد را پیش می‌برند که چطور سرمایه‌داری و ساختار اجتماعی دولت زندان‌بان به نفع عده‌ای اندک و نه عده‌ای بسیارند. این اصلاحات همچنین تخیلی رادیکال درباره‌ی دولت یا جامعه پیش می‌گذارند که به سوی برآوردن آن نیازها جهت بگیرد.

در مقابل، اصلاحات اصلاح‌طلبانه نقدهایی بر سیستم ما-چه سرمایه‌داری باشد یا دولت زندان‌بان- طرح می‌کنند و آنها را پیش می‌برند که مبانی زیربنایی را به پرسش نمی‌گیرد و آینده‌هایی بدیل پیش نمی‌گذارد. در واقع، اصلاحات اصلاح‌طلبانه «آن اهداف و مطالباتی [را] که با حفظ سیستم ناسازگارند - به‌رغم نیاز عمیق به آنها- رد می‌کند».<sup>۴۸</sup> در این مورد، می‌توان رد سریع عدم تأمین مالی<sup>۴۹</sup> پلیس یا نیو دیل سبز<sup>۵۰</sup> از سوی بسیاری از افراد را برشمرد- به‌رغم شواهد بنیادی مؤید اینکه اصلاحات لیبرال برای محدود کردن خشونت پلیس یا کاهش سرعتی که به سمت فجایع زیست‌محیطی پرتاب می‌شویم، چندان مؤثر نبوده است.<sup>۵۱</sup> اصلاح‌طلبان لیبرال به‌طور مؤثر از وضع موجود در برابر نقد عمیق محافظت کرده‌اند.<sup>۵۲</sup> هدف نهایی اصلاح‌طلبی لیبرال فقط این است: اصلاح.

بدین‌سان اصلاح غیراصلاح‌طلبانه چارچوبی مهیا می‌کند برای مطالباتی که مانع می‌شوند سیستم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خودش را بازتولید کند و یک سیستم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به‌طور رادیکال متفاوت را ممکن‌تر می‌سازند. برای الغاگران، سیستم زیربنایی که باید سُست شود «مجتمع صنعتی زندان‌محور» است و افقی که باید به سمت خلق آن حرکت کرد دموکراسی الغاگراست.<sup>۵۳</sup> برای سوسیالیست‌ها، سیستم زیربنایی سرمایه‌داری و افق، سوسیالیسم است. چه در سطح نظری و چه در عمل، این‌ها پروژه‌های سیاسی درهم‌تنیده، متنوع و بحث‌برانگیزند.<sup>۵۴</sup> من نه پیشنهاد نمی‌کنم درون سنت‌های غنی چپ، دست به دسته‌بندی‌های شُسته و رفته‌ی کاذب بزنیم و نه آن‌که میان آنها تمایزهای مصنوعی بگذاریم. اما برای طرح نکته‌ای که در گفتمان حقوقی چنین گُنگ مانده این را ذکر می‌کنم که رویکردهای

مختلف به اصلاحات، منعکس کننده‌ی تعهدات ایدئولوژیک، نقدها بر سیستم‌های زیربنایی یا صحنه گذاشتن‌ها بر آنها، آرزوها برای آینده و نظریه‌های تغییر است. اصلاحات تحلیل‌ها از شرایطمان را می‌رساند، داستان‌هایی درباره‌ی امکان‌ها می‌گوید و بر روابط پویای قدرت اثر می‌گذارد. بنابراین هدف چارچوب غیراصلاح طلبانه به پروژه و تحلیل سیاسی فرد بستگی دارد، و همچنین این که آیا او جهت‌گیری اصلاح طلبانه یا غیراصلاح طلبانه را می‌پذیرد.

در حالی که هدف از اصلاحات اصلاح طلبانه، بهبود بخشیدن، بهتر کردن، مشروع ساختن و حتی پیشرفت سیستم زیربنایی است،<sup>۵۵</sup> اصلاحات غیراصلاح طلبانه در پی دگرگونی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، برای مثال رسیدن به سوسیالیسم یا دموکراسی‌الگا، هستند. این اصلاحات در جهت ایجاد فرم‌های جدیدی از سازمان اجتماعی، از سیستم زیربنایی مشروعیت‌زدایی می‌کنند. به جای باز مشروعیت بخشی، این اصلاحات در پی تقویت بحران ایدئولوژیک به مثابه روشی برای برانگیختن کنش و پرورش آگاهی عمومی درباره‌ی امکان‌های بدیل و قابلیت جمعی ما برای تحقق این امکان‌ها به طور جمعی است.

دوم، اصلاحات غیراصلاح طلبانه باید از مسیر ایجاد قدرت مردمی تشکیل یافته‌ی همواره رو به رشد سر برآورد و خودش این مسیرها را ایجاد کند.<sup>۵۶</sup> این اصلاحات در پی انتقال قدرت از الیت به انبوه مردم است. این موضوع واجد جنبه‌های ماهوی و فرایندی است؛ این که مطالبات از کجا می‌آیند، چه بینشی را پیش می‌گذارند و چه فضایی خلق می‌کنند. اصلاح غیراصلاح طلبانه، چه از طریق مطالبه از دولت یا کارفرما، «همواره مستلزم ایجاد مراکز جدید قدرت دموکراتیک...، محدود کردن قدرت دولت یا سرمایه، قسمی بسط قدرت مردمی، یعنی، پیروزی دموکراسی بر دیکتاتوری سود است».<sup>۵۷</sup> اصلاحات غیراصلاح طلبانه، در تمرکز بر قدرت، چارچوب‌های قانونی لیبرال را که به پنهان کردن روابط قدرت گرایش دارند، به پرسش می‌گیرد.<sup>۵۸</sup> اصلاحات غیراصلاح طلبانه ناظر بر ساختن قدرت مردم برای برانگیختن مبارزه‌ی دگرگونی طلبانه‌ی طولانی مدت است.

برخلاف اصلاحاتی که الیتِ متخصص صورت‌بندی می‌کنند، اصلاحاتِ غیراصلاح‌طلبانه از جنبش‌های اجتماعی، کارگری، جمعیت‌های تشکل‌یافته‌ی تهی‌دستان و طبقه‌ی کارگر سرچشمه می‌گیرد و تحت تأثیر مستقیم افرادی است که خواستار دستیابی به قدرتِ تعیین شرایط زندگی‌شان و شکل‌دادن به نهادهایشان هستند.<sup>۵۹</sup> مردمی که در شرایط مخاطره‌آمیز می‌زیند باید آن شرایط را تحلیل کنند و راه‌حلهایی در تشکیلات جمعی پیش بگذارند.<sup>۶۰</sup> فرایندهای جمعی - چه در تشکلهای، اتحادیه‌ها و انجمن‌ها- مدرسه‌ی عملی حکمرانی دموکراتیک‌اند: فرایندهای حق‌یابی و تمرین تعیین سرنوشت که قدرت تولید می‌کنند و کنش آتی را برمی‌انگیزند.<sup>۶۱</sup>

سوم، اصلاحاتِ غیراصلاح‌طلبانه ناظر است بر دیالکتیک میان ایده‌پردازیِ رادیکال و تولید قدرت. اصلاحاتِ غیراصلاح‌طلبانه از اعمال کنش‌های مبارزه‌جویانه‌ی قدرت مردمی پدید می‌آید.<sup>۶۲</sup> این اصلاحات تلاشی است برای توسعه‌ی قدرت جمعی تشکل‌یافته برای خلق مسیرهای دگرگون‌کننده. به معنای دقیق، این اصلاحات به خودی خود ناظر بر یافتن پاسخی برای مسائل سیاست‌گذارانه نیستند؛ اساساً به اعمال قدرت توسط مردم برای تعیین شرایط زندگی‌شان ربط دارند. این اصلاحات در پی «گسترش وسیع مشارکت دموکراتیک در تمام حیطه‌های زندگی مدنی‌اند - یعنی دگرگونی عمده در خصلت دولت و آشکال دموکراتیک بورژوازی موجود».<sup>۶۳</sup>

چون هدف نهایی ایجاد قدرت است نه تشخیص راه بهبود سیاست‌گذاری، اصلاحاتِ غیراصلاح‌طلبانه تنها وقتی می‌توانند مؤثر باشند که در نسبت با مجموعه‌ی وسیع‌تری از راهبردها و تاکتیک‌ها برای دگرگونی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تعقیب شوند. این امر شامل اعتراض‌ها و اعتصاب‌ها و همچنین آموزش سیاسی، کمک متقابل، تشکل‌یابی و ایجاد نهادهای بدیل است. اصلاحات، در کنار باقی راهبردها و تاکتیک‌ها، در رابطه‌ای دیالکتیکی با دگرگونی قرار می‌گیرد: عمق بخشیدن به آگاهی، ایجاد قدرت مستقل و عضویت‌گیری، و بسط مطالبات.<sup>۶۴</sup>

---

\* نویسنده استاد حقوق در دانشگاه ایالتی اوهایو است. گرایش مطالعاتی وی عبارت است از مطالعات عدالت جنایی و همچنین جنبش‌های اجتماعی.

آغاز این چرخش را می‌توان با طرح «قانونِ تریون» (Trayvon's Law) توسط گروهِ Dream Defenders در مجلس ایالت فلوریدا مشخص کرد، پس از آن که هیأت‌منصفه جورج زیمرمن (George Zimmerman) را در قضیه قتل مارتین تریون (Trayvon Martin) بی‌گناه شناخت. See, e.g., Press Release, NAACP Legal Def. & Educ. Fund, NAACP Releases "Trayvon's Law" Principles for State Legislative Advocacy (July ۳۰, ۲۰۱۳), <https://www.naacp.org/latest/naacp-releases-trayvons-law-principles-for-state-legislativeadvocacy-> ۲ [https://perma.cc/S۸YN-URA۳]; Press Release, NAACP Legal Def. & Educ. Fund, Dream Defenders Stand Their Ground for Trayvon's Law in Florida (Aug. ۱, ۲۰۱۳), <https://www.naacpldf.org/press/dream-defenders-stand-their-ground-for-trayvons-law-in-florida> [https://perma.cc/۶BPS-۵PDE].

دیگر دقیقه‌ی مهم، برنامه‌ی سیاست‌گذارانه‌ای است که توسط «the Movement for Black Lives» در سال ۲۰۱۶ با عنوان The Vision for Black Lives صادر شد. Vision for Black Lives, MOVEMENT FOR BLACK LIVES (۲۰۲۰), <https://m۴bl.org/policy-platforms> [https://perma.cc/B۹S۵-Z۴۲۲].

۲ See generally, e.g., SOCIALIST STRATEGY AND ELECTORAL POLITICS: A REPORT (۲۰۱۹)

(گردآورنده‌ی تأملاتی در باب راهبردهای سیاسی سوسیالیست‌های آمریکایی).

۳ Alexandria Ocasio-Cortez

۴ Ilhan Omar

۵ The Squad (نام گروهی متشکل از نمایندگان چپ حزب دموکرات، که از جمله کورتز و عمر در آن عضویت دارند).

۶ تشکل‌های اصلی در این راهبرد عبارتند از:

the Democratic Socialists of America, the Rising Majority, the Working Families Party, Justice Democrats, Brand New Congress, Black Futures Lab, and the Bernie Sanders organization. See, e.g., Astra Taylor, A New Group of

Leftist Primary Challengers Campaign Through Protests and the Coronavirus, NEW YORKER (June ۱۷, ۲۰۲۰), <https://www.newyorker.com/news/the-political-scene/a-new-group-of-leftistprimary-challengers-campaign-through-protests-and-the-coronavirus> [https://perma.cc/۷N۶۹-RGFX]; About, BLACK FUTURES LAB (۲۰۲۰), <https://blackfutureslab.org/about> [https://perma.cc/TSL۶-JVQE]; About Us,



RISING MAJORITY, <https://therisingmajority.com/about-us>  
[<https://perma.cc/B5LU-ADFE>].

<sup>۷</sup> Black Power era با ۱۹۷۰ و ۱۹۶۰ در دهه جنبش انقلابی در جنبش «قدرت سیاهان» یک جنبش انقلابی در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ با  
محوریت مبارزه علیه سرکوب نژادی است)

<sup>۸</sup> ROBIN D.G. KELLEY, FREEDOM DREAMS: THE BLACK  
RADICAL IMAGINATION ۶۱-۶۳, ۸۵-۸۷ (۲۰۰۲).

<sup>۹</sup> See generally, e.g., JORDAN T. CAMP, INCARCERATING THE  
CRISIS: FREEDOM STRUGGLES AND THE RISE OF THE  
NEOLIBERAL STATE (۲۰۱۶)

(که درباره‌ی ظهور دولت زندان‌بان و تلاش‌های حکومتی برای سرکوب جنبش‌های اجتماعی نژادی بحث  
می‌کند).

<sup>۱۰</sup> J. Klarman, The Supreme Court, ۲۰۱۹ Term — Foreword: The  
Degradation of American Democracy — And the Court, ۱۳۴ HARV. L. REV.  
۱ (۲۰۲۰), at ۱۴۰-۴۴, ۲۰۷-۰۸.

فقدان سازمان‌یابی در میان کسانی که «شغل کافی» ندارند خودش تا حدی «نتیجه رسوب عقل سلیم  
نولیبرال» است.

Deva Woodly, Seeing Collectivity: Structural Relation Through the Lens of  
Youngian Seriality, ۱۴ CONTEMP. POL. THEORY ۲۱۳, ۲۲۹ (۲۰۱۵).

<sup>۱۱</sup> elite

واژه‌ی «الیت» را به «نخبه» ترجمه نکردیم زیرا «نخبه» در فارسی بر قسمی برجستگی فکری، علمی،  
هنری یا فنی دلالت می‌کند اما معنای موردنظر از «الیت» چنین نیست.

<sup>۱۲</sup> مهم این‌که بسیاری از کارزارهای معاصر در حالت تدافعی ظاهر شده‌اند: علیه خشونت فرایندهای  
حقوقی علیه تهی‌دستان و به شمار نیاوردن آنها در این فرایندها- از تعقیب کیفری گرفته تا اخراج  
مهاجران و خلع‌ید.

E.g., #DefundHate, DET. WATCH NETWORK,  
<https://www.detentionwatchnetwork.org/defundhate>  
[<https://perma.cc/WYAC-LT6L>].

<sup>۱۳</sup> See generally LEON TROTSKY, THE TRANSITIONAL  
PROGRAMME: THE DEATH AGONY OF CAPITALISM AND THE  
TASKS OF THE FOURTH INTERNATIONAL (Workers Revolutionary  
Party ۱۹۸۸) (۱۹۳۸) (مطالبه‌ی گذار); Ralph Miliband & Marcel Liebman, Beyond  
Social Democracy, ۲۲ SOCIALIST REG. ۴۷۶ (۱۹۸۵) (revolutionary

reformism); Ed Rooksby, “Structural Reform” and the Problem of Socialist Strategy Today, ۴۶ CRITIQUE ۲۷ (۲۰۱۸) (اصلاحات غیراصلاح طلبانه جهت گذار و) (اصلاحات ساختاری); CRITICAL RESISTANCE, REFORMIST REFORMS VS. ABOLITIONIST STEPS IN POLICING, [https://static1.squarespace.com/static/59ead۸f۹۶۹۲ebec۲۵b۷۲f۱۷f/t/۵b۶۵cd۵۸۷۵۸d۴۶d۳۴۲۵۴f۲۲c/۱۵۳۳۳۹۸۳۶۳۵۳۹/C\\_R\\_NoCops\\_reform\\_vs\\_abolition\\_CRside.pdf](https://static1.squarespace.com/static/59ead۸f۹۶۹۲ebec۲۵b۷۲f۱۷f/t/۵b۶۵cd۵۸۷۵۸d۴۶d۳۴۲۵۴f۲۲c/۱۵۳۳۳۹۸۳۶۳۵۳۹/C_R_NoCops_reform_vs_abolition_CRside.pdf) [https://perma.cc/G۲ZH-T۵۷C] (گام‌های الغاگرایانه); Vision for Black Lives, supra note ۵۲ (اصلاحات); (دگرگون کننده); see also NICOS POULANTZAS, STATE, POWER, SOCIALISM ۲۵۱-۶۵ (۱۹۷۸).

در موارد محدود این ایده‌ها در پژوهش‌های حقوقی باز یابی شده‌اند،

See, e.g., MARK TUSHNET, RED, WHITE, AND BLUE: A CRITICAL ANALYSIS OF CONSTITUTIONAL LAW ۳۱۲ (۱۹۸۸)

(که هدف از اصلاحات غیراصلاح طلبانه را «رقم زدن دگرگونی عظیم» یا «بسپج مردم برای پیگیری اصلاحات بیشتر» می‌داند)،

Kate Andrias, Response, Confronting Power in Public Law, ۱۳۰ HARV. L. REV. F. ۱, ۶ (۲۰۱۶)

(که به «طیفی از اصلاحات ساختاری انتقال دهنده‌ی قدرت در قوانین، اقتصاد و دموکراسی‌مان» فرامی‌خواند)،

Cynthia Grant Bowman, Recovering Socialism for Feminist Legal Theory in the ۲۱st Century, ۴۹ CONN. L. REV.

۱۱۷, ۱۵۴, ۱۶۶-۶۹ (۲۰۱۶)

(در دفاع از اصلاحات غیراصلاح طلبانه در راستای عدالت جنسیتی)،

Allegra M. McLeod, Envisioning Abolition Democracy, in Developments in the Law — Prison Abolition, ۱۳۲ HARV. L. REV. ۱۶۱۳, ۱۶۱۶ (۲۰۱۹)

(که «تلاش‌های اصلاح طلبانه» را از «تمهیدات الغاگرایانه» به قصد دگرگونی تفکیک می‌کند)،

Dorothy E. Roberts, The Supreme Court, ۲۰۱۸ Term — Foreword: Abolition Constitutionalism, ۱۳۳ HARV. L. REV. ۱, ۱۱۴-۱۸ (۲۰۱۹)

(که درباره «اصلاحات الغاگرایانه‌ی غیراصلاح طلبانه» بحث می‌کند)،

Jocelyn Simonson, Democratizing Criminal Justice Through Contestation and Resistance, ۱۱۱ NW. U. L. REV. ۱۶۰۹, ۱۶۲۳ (۲۰۱۷)

(که اصلاحات غیراصلاح طلبانه را «تغییراتی» توصیف می‌کند که «در نهایت شبکه‌ی کنترل اجتماعی از طریق جرم‌انگاری را از هم می‌گسلاند نه اینکه آن را بگستراند»)

(quoting RUTH WILSON GILMORE, GOLDEN GULAG: PRISONS, SURPLUS, CRISIS, AND OPPOSITION IN GLOBALIZING CALIFORNIA ۲۴۲ (۲۰۰۷)).

<sup>۱۴</sup> E.g., ROSA LUXEBURG, THE ESSENTIAL ROSA LUXEBURG: REFORM OR REVOLUTION & THE MASS STRIKE ۴۱ (Helen Scott ed., ۲۰۰۸)

(بین اصلاحات اجتماعی و انقلاب برای دموکراسی اجتماعی یک ربط ناگسستنی وجود دارد. مبارزه برای اصلاحات وسیله است، انقلاب اجتماعی هدف آن.

RALPH MILIBAND, MARXISM AND POLITICS ۱۵۷ (۱۹۷۷)

(که فرمیسم را یکی از دو راهبرد اصلی سنت مارکسیستی شمرده است).

Robert Brenner, The Problem of Reformism, LEFT VOICE (Aug. ۲۰, ۲۰۱۸), <https://www.leftvoice.org/the-problemof-reformism> [https://perma.cc/۳۲E۵-GMPL] (republished version of a ۱۹۹۲ article based on a talk)

(هم انقلابیون و هم اصلاح‌طلبان می‌کوشند اصلاح رقم بزنند).

<sup>۱۵</sup> non-reformist reforms

<sup>۱۶</sup> André Gorz

<sup>۱۷</sup> ANDRÉ GORZ, STRATEGY FOR LABOR: A RADICAL PROPOSAL ۷ (Martin A. Nicolau & Victoria Ortiz trans., ۱۹۶۷).

او همچنین این اصطلاحات را به کار برده است: «اصلاحات ساختاری» (همان، ۸)، «اصلاحات انقلابی» (همان، ۶) و «اصلاحات ضدسرمایه‌داری» (همان، ۷).

<sup>۱۸</sup> Strategy for Labor

<sup>۱۹</sup> Id. at ۷.

<sup>۲۰</sup> Id. at ۸.

<sup>۲۱</sup> Id. at ۸ & n.۳.

<sup>۲۲</sup> abolitionists

<sup>۲۳</sup> prison industrial complex

(اصطلاحی برای نشان دادن رابطه میان نهادهای پلیسی و زندان حکومت و کسب‌وکارهای مختلفی که به این نهادها اتکا دارند)

<sup>۲۴</sup>See Ruth Wilson Gilmore & Craig Gilmore, Restating the Obvious, in INDEFENSIBLE SPACE: THE ARCHITECTURE OF THE NATIONAL INSECURITY STATE ۱۴۱, ۱۴۵ (Michael Sorkin ed., ۲۰۰۸)

(که می‌گوید اصلاحات غیراصلاح طلبانه عبارتند از «تغییرات سیستمی که حیات یا گستره‌ی نیروهای معطوف به مرگ مانند زندان‌ها را وسعت نمی‌بخشند)

(citing André Gorz and Professor Thomas Mathieson)); see also THOMAS MATHIESON, THE POLITICS OF ABOLITION REVISITED ۲۳۱ (۲۰۱۵)

«اصلاحات کوتاه‌مدتی که برای آن کار می‌کنید... به‌مثابه راهی برای هدف بلندمدت‌الغا... باید به‌طور سازگار سرشتی‌الغا داشته باشد».

<sup>۲۵</sup> racial justice

<sup>۲۶</sup> See, e.g., Patrisse Cullors, Abolition and Reparations: Histories of Resistance, Transformative Justice, and Accountability, in Developments in the Law — Prison Abolition, ۱۳۲ HARV. L. REV. ۱۶۸۴, ۱۶۸۷ (۲۰۱۹)

(شامل «پذیرش اصلاحات غیراصلاح طلبانه» به‌مثابه امر محوری برای اصول‌الغا‌رایانه).

<sup>۲۷</sup> Professor Ruth Wilson Gilmore

<sup>۲۸</sup> Golden Gulag

<sup>۲۹</sup> GILMORE, supra note ۶۰, at ۲۴۲.

<sup>۳۰</sup> abolitionist campaigns

<sup>۳۱</sup> carceral state (دولت حبس‌گرا یا دولت زندان‌گرا)

<sup>۳۲</sup> E.g., CRITICAL RESISTANCE, supra note ۶۰. For scholarly engagement, see generally Beth A. Colgan, Beyond Graduation: Economic Sanctions and Structural Reform, ۶۹ DUKE L.J. ۱۵۲۹ (۲۰۲۰),

که اصلاحات در ضمانت‌اجراهای اقتصادی در نظام‌های حقوقی جنایی را از منظر‌الغا‌رایانه برمی‌رسد، and Marbre Stahly-Butts & Amna A. Akbar, Transformative Reforms, Abolitionist Demands, STAN. J.C.R. & C.L. (forthcoming ۲۰۲۰) (on file with the Harvard Law School Library),

که چارچوبی برای بررسی اصلاحات دگرگونی‌طلب متعهد به آینده‌ای‌الغا‌رایانه پیش می‌نهد.

<sup>۳۳</sup> policing

<sup>۳۴</sup>تمرکز بر ایدئولوژی در اندیشه‌ی مارکسیستی شایع است. برای مثال، رک:

Karl Marx, The German Ideology: Part I, in THE MARX-ENGELS READER ۱۴۶, ۱۷۲-۷۴ (Robert C. Tucker ed., ۲d ed. ۱۹۷۸).

<sup>۳۵</sup> reformist reforms

<sup>۳۶</sup> GORZ, *supra* note ۶۱, at ۷; see also BRETT STORY, PRISON LAND: MAPPING CARCERAL POWER ACROSS NEOLIBERAL AMERICA ۱۶۴–۶۶ (۲۰۱۹).

<sup>۳۷</sup> GORZ, *supra* note ۶۱, at ۷ n.۲.

هارمونی گلدبرگ (Harmony Goldberg) سازمان‌دهنده و آموزگار سیاسی به طور مفید «کلایی‌زدایی» یا خارج کردن جنبه‌هایی از زندگی از قلمرو کنترل بازار و قرار دادن آنها در دستان عموم» را به مثابه امری محوری برای مطالبات چپ شناسایی کرده است.

Harmony Goldberg, Stepping into the Moment: The Corona-Crisis, ORG. UPGRADE (Apr. ۸, ۲۰۲۰), <https://organizingupgrade.com/stepping-into-the-moment-the-corona-crisis> [https://perma.cc/CVN۵-DF۶۹].

<sup>۳۸</sup> abolition of the death penalty

<sup>۳۹</sup> See, e.g., Opinion, Prop. ۳۴ and Death Penalty Dishonesty, L.A. TIMES (Sept. ۲۵, ۲۰۱۲, ۱۲:۰۰ AM), <https://www.latimes.com/opinion/endorsements/la-ed-end-prop۳۴-۲۰۱۲-۰۹۲۵-story.html> [https://perma.cc/۴DJV-۳KYL]; Bob Egelko, Death Row Inmates Oppose Prop. ۳۴, SFGATE (Apr. ۳۰, ۲۰۱۴, ۴:۴۳ PM), <https://www.sfgate.com/news/article/Death-Row-inmates-oppose-Prop-۳۴-۳۸۹۱۱۲۲.php> [https://perma.cc/NNK۴-CFEN]; George Skelton, Opinion, It's Time to Dump California's Death Penalty by Passing Prop. ۳۴, L.A. TIMES (Sept. ۱۲, ۲۰۱۲, ۱۲:۰۰ AM), <https://www.latimes.com/local/la-xpm-۲۰۱۲-sep-۱۲-la-me-cap-death-penalty-۲۰۱۲-۰۹۱۳-story.html> [https://perma.cc/GW۷G-KWQG].

<sup>۴۰</sup> lynching

<sup>۴۱</sup> life without parole

<sup>۴۲</sup> death by incarceration (مرگ از طریق به زندان انداختن یا مرگ بر اثر حبس)

<sup>۴۳</sup> A Way Out: Abolishing Death by Incarceration in Pennsylvania, ABOLITIONIST L. CTR. (۲۰۱۸), <https://abolitionistlawcenter.org/our-work/a-way-out-abolishing-death-by-incarceration-inpennsylvania> [https://perma.cc/L۴QT-QJWT]; see also Richard Gross, Death by Incarceration: Cruel and Unusual, PEN AM. (Sept. ۹, ۲۰۱۹),

<https://pen.org/death-by-incarceration-cruel-andunusual>

[<https://perma.cc/۴۳W۹-QU۳U>]; Joshua Vaughn, What Does Death by Incarceration Look Like in Pennsylvania? These Elderly, Disabled Men Housed in a State Prison., THE APPEAL (Nov.۲۰, ۲۰۱۹), <https://theappeal.org/death-by-incarceration-pennsylvania-photo-essay> [<https://perma.cc/QPS۲-SAFA>].

<sup>۴۴</sup> radical imagination

<sup>۴۵</sup> See Amna A. Akbar, Toward a Radical Imagination of Law, ۹۳ N.Y.U. L. REV. ۴۰۵, ۴۰۸ (۲۰۱۸).

<sup>۴۶</sup> MILIBAND, supra note ۵۹, at ۱۵۸.

(که اصلاحاتی را برمی‌رسد که «در بهترین حالت گام‌ها و ابزارهایی ناکامل به سمت هدفی بس بزرگ‌تر اند که عبارت است از «سرنگونی» سرمایه‌داری و دستیابی به جامعه‌ی به کلی متفاوتِ سوسیالیستی).

<sup>۴۷</sup> GORZ, supra note ۶۱, at ۷.

<sup>۴۸</sup> Id.

<sup>۴۹</sup> defund

<sup>۵۰</sup> Green New Deal

<sup>۵۱</sup> See generally, e.g., DAVID WALLACE-WELLS, THE UNINHABITABLE EARTH: LIFE AFTER WARMING (۲۰۱۹)

(که درباره‌ی اثر و شتاب اخیر گرمایش جهانی بحث می‌کند).

oe Soss & Vesla Weaver, Police Are Our Government: Politics, Political Science, and the Policing of Race–Class Subjugated Communities, ۲۰ ANN. REV. POL. SCI. ۵۶۵, ۵۸۰–۸۱ (۲۰۱۷), ۵۶۷

(که در مورد مداخله‌ی پلیسی عمیق در زندگی اعضای «اجتماع‌های تحت انقیاد نژادی-طبقاتی» بحث می‌کند).

<sup>۵۲</sup> See Sameer M. Ashar, Essay, Deep Critique and Democratic Lawyering in Clinical Practice, ۱۰۴ CALIF. L. REV. ۲۰۱, ۲۰۳–۰۶, ۲۱۷–۱۹ (۲۰۱۶), ۲۱۸

(که «نقد عمیق» را این‌گونه تعریف می‌کند: «فکر کردن در زیر و بم و فراسوی رویکردهای قانون‌گرایانه‌ی لیبرال به مسائل اجتماعی.... از طریق تشریک مساعی با مردم، اجتماعات و متفکران قرار گرفته در حاشیه‌ی ساختار اجتماعی».

<sup>۵۳</sup> abolition democracy

<sup>۵۴</sup> See, e.g., JACKIE WANG, *CARCERAL CAPITALISM* (۲۰۱۸)

(که اقتصاد سیاسی دولت زندان‌بان را برمی‌رسد).

<sup>۵۵</sup> See, e.g., MICHAEL HARDT & ANTONIO NEGRI, *ASSEMBLY* ۲۵۱ (۲۰۱۷)

«در دستان نولیبرال، اصلاح اساساً به این معنا درآمد: انتقال کنترل از دولت‌ها به بازارهای مالی...».

<sup>۵۶</sup> GORZ, *supra* note ۶۱, at ۸

(که استدلال می‌کند اصلاحات غیراصلاح‌طلبانه باید «روابط قدرت» را تغییر دهد).

see also Kali Akuno, *Build and Fight: The Program and Strategy of Cooperation Jackson*, in *JACKSON RISING: THE STRUGGLE FOR ECONOMIC DEMOCRACY AND BLACK SELF-DETERMINATION IN JACKSON, MISSISSIPPI* ۱۷, (Kali Akuno & Ajamu Nangwaya, *Cooperation Jackson* eds., ۲۰۱۷)

(که می‌گوید اصلاحات غیراصلاح‌طلبانه «در پی ایجاد منطقی‌های جدید، روابط جدید و بایسته‌های جدیدی است که تعادل و توازن جدیدی میان نیروها به منظور تضعیف سرمایه‌داری و ممکن ساختن شکل‌گیری بدیل غیرسرمایه‌دارانه به وجود آورند»). برای مطالعه‌ی پژوهش حقوقی درباره‌ی این‌که چگونه قانون می‌تواند از قدرت‌سازی جمعیت‌های سازمان‌یافته به‌ویژه رنگین‌پوستان، مهاجران، تهیدستان و طبقه‌ی کارگر پشتیبانی کند، رک:

K. Sabeel Rahman & Jocelyn Simonson, *The Institutional Design of Community Control*, ۱۰۸ *CALIF. L. REV.* ۶۷۹, ۶۹۶–۹۸ (۲۰۲۰); and Kate Andrias & Benjamin I. Sachs, *Constructing Countervailing Power: Law and Organizing in an Era of Political Inequality*, ۱۳۰ *YALE L. J.* (forthcoming ۲۰۲۰) (manuscript at ۲۵–۳۳).

<sup>۵۷</sup> GORZ, *supra* note ۶۱, at ۸ n.۳.

«اصلاح [غیراصلاح‌طلبانه] بنا به تعریف اصلاحی است که توسط کسانی که آن را مطالبه می‌کنند اجرا یا کنترل می‌شود».

see also Vivek Chibber, *Our Road to Power*, *JACOBIN* (Dec. ۵, ۲۰۱۷),

<https://www.jacobinmag.com/۲۰۱۷/۱۲/our-road-to-power>

[<https://perma.cc/A۲WDW۷GR>]

(که از «اصلاحاتی» دفاع می‌کند که «اثر دوگانه‌ای دارند: هم آسان‌تر کردن سازمان‌یابی در آینده و هم محدود کردن قدرت سرمایه برای تضعیف سازمان‌یابی‌های آینده»).

<sup>۵۸</sup> See generally, e.g., Daryl J. Levinson, *The Supreme Court*, ۲۰۱۵ Term — Foreword: *Looking for Power in Public Law*, ۱۳۰ *HARV. L. REV.* ۳۱ (۲۰۱۶)

(که درباره‌ی محل قدرت در نهادهای حکومتی و منافع در سطح دموکراتیک بحث می‌کند)؛  
K. Sabeel Rahman, *Policymaking as Power-Building*, ۲۷ S. CAL. INTERDISC. L.J. ۳۱۵ (۲۰۱۸)

(که در مورد سیاست‌گذاری‌های متوازن‌کننده‌ی قدرت از طریق طراحی نهادی بحث می‌کند)؛  
Bertrall L. Ross II & Su Li, *Measuring Political Power: Suspect Class Determinations and the Poor*, ۱۰۴ CALIF. L. REV. ۳۲۳ (۲۰۱۶)

(که درباره‌ی بهترین روش اندازه‌گیری قدرت سیاسی بحث می‌کند)؛  
Jocelyn Simonson, *Police Reform Through a Power Lens*, ۱۳۰ YALE L.J. (forthcoming ۲۰۲۱) (on file with the Harvard Law School Library)

(که درباره‌ی انتقال قدرت در مدیریت پلیس بحث می‌کند)؛  
Ganesh Sitaraman, *The Puzzling Absence of Economic Power in Constitutional Theory*, ۱۰۱ CORNELL L. REV. ۱۴۴۵ (۲۰۱۶)

(که درباره‌ی لزوم بررسی تأثیر قدرت اقتصادی بر فرایندهای سیاسی ایالات متحده در قلمرو نظریه حقوق اساسی بحث می‌کند)؛

<sup>۵۹</sup> برای بحث درباره‌ی این‌که سازمان‌دهندگان مخالف زندان چطور تخصص مردمی را بازسازی کردند، ر.ک.:

Simonson, *supra* note ۸۴ (manuscript at ۵۸-۶۶).

<sup>۶۰</sup> این بازتاب مفهوم‌پردازی گرامشی از روشنفکر ارگانیک است.

See ANTONIO GRAMSCI, *The Intellectuals*, in *SELECTIONS FROM THE PRISON NOTEBOOKS OF ANTONIO GRAMSCI* ۵، ۵-۷ (Quintin Hoare & Geoffrey Nowell Smith eds. & trans., ۱۹۷۱).

<sup>۶۱</sup> Charlie Post, *What Strategy for the US Left?*, JACOBIN (Feb. ۲۳, ۲۰۱۸), <https://www.jacobinmag.com/2018/02/socialist-organization-strategy-electoral-politics> [<https://perma.cc/N5YX-N6GR>]

«جنبش‌های اجتماعی اخلاص‌گر-به‌ویژه آنها که ریشه در محیط کار دارند- مستلزم... پذیرش ریسک در مواجهه با سرمایه و دولت به منظور پیروزی در مطالبات جنبش‌اند. این مستلزم مشارکت فعال در فرایند دموکراتیک تدبیر کردن مطالبه‌ها و تصمیم‌گیری درباره‌ی تاکتیک‌هاست.»

*The Mandate: A Call and Response from Black Lives Matter Atlanta*, SOUTHERNERS ON NEW GROUND (July ۱۴, ۲۰۱۶), <https://southernersonnewground.org/themandate> [<https://perma.cc/TVEH-EADN>].



<sup>۶۲</sup> See GORZ, *supra* note ۶۱, at ۱۱۱, ۱۲۴-۲۵

(که استدلال می‌کند اگر جنبش کارگری «قویا روی بدیل ضدسرمایه‌داری کار کند... آن‌گاه ایدئولوژی توجیه‌کننده‌ی تکنوکراسی را نابود می‌کند).

<sup>۶۳</sup> MILIBAND, *supra* note ۵۹, at ۱۸۸.

<sup>۶۴</sup> See ROSA LUXEMBURG, *THE MASS STRIKE, THE POLITICAL PARTY AND THE TRADE UNIONS* (۱۹۰۶), reprinted in *THE MASS STRIKE: THE POLITICAL PARTY AND THE TRADE UNIONS AND THE JUNIUS PAMPHLET* ۹, ۶۷ (Robert Bland ed., ۱۹۷۱).

\* این متن ترجمه‌ی قسمتی از مقاله‌ی زیر است:

Amna A. Akbar; *DEMANDS FOR A DEMOCRATIC POLITICAL ECONOMY*, *HARVARD LAW REVIEW FORUM*, Vol. ۱۳۴:۹۰, ۲۰۲۰, pp. ۹۰-۱۱۸.